ادامه از صفحه ۷

فـرض کنید در تاریخ ایران از حمله مغول‌ها خیلی صحبت شده و از مصایب، ناراحتی‌ها و فجایعی که در آن دوران بر مردم ایران رفت، می‌گویند تا جایی که هنوز ایران قد راست نکرده و کمرش شکست، اگرچه مغول‌ها حامل برخی دســتاوردها و تاثیرات مثبت هنری و فرهنگی هم بودند. درست است کــه مغول‌ها حمله کردند و ویرانی‌های زیادی به بار آوردند، ولی آنچه مسلم است اینکه فرهنگ ایرانی بر مغول‌ها غالب شد و مهاجمان تحت تاثیر فرهنگ خاص ایران کارهای بسیار جالبی کردند و شاهکارهایی در زمینه‌های معماری، هنرهای تجسمی، شعر، نویسندگی و زمینه‌های علمــی به وجود آوردند. در تمام این دوران ما شــاهد یک روال ثابت و مستمر و رو به جلو در معماری بوده‌ایم، البته تا زمان قاجار که اوج افول فرهنگی و هنری ایران در این دوره بود. ولی تحت تاثیر انقلاب صنعتی و تحولات علمی در اروپا که همزمان با اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی بود، معماری جهان دچار تلاطم‌های شدیدی شد که درون آن معماری مدرن متولد شد.

هر یــک از دوران فوق‌الذکر تاریخ معماری ایران، به‌خصوص در دوران اخیر، با یکی از ســبک‌های معماری اروپا همزمان بوده است. آیا تاثیراتی از آنها را می‌توان در معماری ایران سراغ گرفت. منظورم به‌طور خاص پس از صفویه تا به امروز است؟

بله، در خیلی مــوارد تاثیرات زیادی از اروپا گرفتیم. این امر نه‌تنها در معمــاری، بلکه در ســایر ابعاد فرهنگی هم به‌خوبی نمایان اســت. فرضا تا قبل از صفویه مراســم مذهبی به‌صورت راه‌انداختن دسته‌های عزاداری، سینه‌زنی و تعزیه‌خوانی که امروز متداول است، وجود نداشت و از آن زمان این قبیل مراســم وارد فرهنگ مذهبی ایران شــد. برای نمونــه تعزیه‌خوانی در زمان قاجار به اوج خود رســید چون ارتباطات قاجار با فرنگ خیلی زیادتر شد و نمایشات مذهبی ایتالیا و سایر ممالک اروپایی روی مراسم ما اثر می‌گذاشت. در حقیقت تعزیه‌خوانی یک اپرای تراژیک است برای اینکه بازیگری، لباس، شمایل‌سازی، موسیقی و آواز در آن هست. علم و کتل نیز پدیده‌های فرهنگی وارداتی از اروپا هستند. عَلم عبارت اســت از یک چوب بلنــدی که چوب دیگری مثل صلیب آن را قطع می‌کند و ســپس روی آن را با پر طاووس، خروس، شــمع و... می‌پوشــانند. این یک نماد صلیبی و یادآور مراسم سنتی- مذهبی در کشورهایی چون ایتالیا و اسپانیاست. چنین سمبل‌ها و علایمی در دیگر کشورهای مسلمان وجود ندارد. پیدایش تکیه هم مربوط به زمان قاجاریه اســت. در آن زمان شــاه به اروپا زیاد مســافرت می‌کرد و این صنعت تئاتری را از اروپا تقلید کردند مثلا با کمال تاسف تکیه دولت را که یک تئاترگرد بود، به خاطر ساختن یک بانک در زمان پهلوی خراب کردند در صورتی که این اثر می‌ماند، ما می‌توانستیم به دنیا نشان دهیم صاحــب چنین تئاتری بودیم که امروز در ممالک غربی رایج شــده و ایده‌اش را به خود اختصاص دهیم. مثال دیگر تکیه حاج‌ابوالقاسم است که یک پدیده صددرصد فرنگی است. یک نمونه دیگر این تاثیرات در زمان مسافرت‌های ناصرالدین‌شاه به اروپا اتفاق افتاد که او در مراجعت به ایران، تحت‌تاثیر اپراها و بالرین‌ها، شلیته و جوراب‌شلواری را به ایران آورد و در حرمســراهایش از آن استفاده می‌کردند. از معماری تا لباس، ســتون‌ها و گچبری‌هایی که در آن زمان رایج شــد و امــروز با وجود تمام تغییرات مجددا دوباره انجــام می‌دهند، همه آن تحت‌تاثیر اروپا بود. بنابراین در بســیاری از زمینه‌هایی که قبلا وجود نداشت تاثیراتی گرفته شده اســت. ولی وقتی صحبت از معماری صفویه مثل مسجد شاه اصفهان، عالی‌قاپو، کاخ چهل‌ستون، هشت‌بهشت و پل‌های اصفهان می‌شود، آنها صد درصد ایرانی بوده‌اند.

در کتــب تاریخ معماری جهان، مبحث تاریخ معمــاری ایران با زندیه به پایان می‌رسد. آیا بعد از آن، ما اثر برجسته‌ای که به لحاظ ارزش‌های جهانی قابل ارایه باشد، داریم یا همان‌گونه که تاریخدان‌ها گفته‌اند، باید بحث تاریخ معماری ایران را در آن دوران متوقف کرد؟

اولا سلســله زندیه دوران کوتاهی را گذراند، بنابرایــن از این دوره پدیده‌های معماری زیادی در دست نیست ولی همان تعدادی هم که مانده از نظر ارزش معماری کارهای جالب و نمایشگر زبان خودش است. این آثار جزو آثار تاریخی محســوب می‌شوند همچون مسجد وکیل و دروازه‌قرآن در شیراز اما دوران قاجار دوران قهقرایی ایران بود و در این دوران شاهد پسرفتگی و عقب‌افتادگی‌های خیلی عظیمی هستیم آن‌هم در دورانی که ممالک اروپایی در سایه انقلاب صنعتی وارد جهش‌های عظیم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شــدند و دوران بیداری اروپا بود. در زمان قاجاریه انحطاط در همه زمینه‌ها، از جمله در زمینه‌های فکری و هنری گریبانگیر جامعه شد و این شکست‌ها خود را خیلی خوب در زمینه جنگ‌ها که همه آن به ضرر ایران تمام شد، نشان داد. در زمینه سیاسی نیز بندوبست با خارجی‌ها و مکر صفتی خصیصه حاکم شده بود. به لحاظ اجتماعی نیز جز خســران و ضرر چیزی برای مملکت به ارمغان نیاورد. دربارها و حرمسراهایشان مملو از توطئه‌های زنانه، مرد، زن و خواجه بود. البته در این دوران شاهد تک‌نمونه‌هایی از آثار برجسته معماری هستیم مثلا همان تیمچه قم که مربوط به آن دوره است یکی از شــاهکارهای معماری ملی ایران محســوب می‌شود. اگر از تهران به سمت کاشان بروید، از قم که عبور کنید سمت چپ قبل از اتمام مسیر به بازار و تیمچه برمی‌خورید که بســیار دیدنی است. از بیرون چیزی ندارد و هرچه هســت از داخل اســت. در داخل آن در نهایت ظرافت با آجر کار شده به طوری که انسان فکر می‌کند سوزن‌دوزی کرده‌اند. این بنا شامل سه‌گنبد است که از به هم‌انداختن عوامل هندسی با همدیگر و مخلوط‌کردن قوس‌ها و منحنی‌ها به وجود آمده‌اند و این فکر به وجود می‌آید که یک دهانه بزرگ را با چه ظرافتی توانســته‌اند کاشــیکاری کنند. از نمونه‌های دیگر آثار معماری قاجاریه مسجد سپهسالار تهران، دروازه‌های شهر تهران، کاروانسراها و تعدای کاخ را می‌توان نام برد، مثلا کاخ گلســتان را می‌توان به‌عنوان یک اثر تاریخی دیگر نام برد که یک قسمتش در زمان زندیه ساخته و در زمان قاجار تکمیل شد. در خارج از محدوده سابق شهر تهران کاخ نیاوران را ساختند که جالب توجه بود ولی اهمیت کارهای قاجار مطمئنا به پای معماری صفویه نمی‌رســد. اشکال معماری قاجار این بود که بیش از حد از خارج تاثیر گرفته بود. نمونه دیگر مســجد آقابزرگ کاشان است که از نظر فکر مسجدسازی با مساجد دیگر فرق می‌کند چون در مسجدهای دیگر، شبستان‌های مختلفی بــرای ادای نماز وجود دارد ولی اینجا فقط محل ادای نماز نیســت، هم مسجد است، هم مدرسه و هم محل زندگی طلبه‌ها. هر ســه عامل در زیر یک ســقف جا داده شده‌اند. نمونه دیگر حمام و تیمچه امین‌الدوله اســت که آن را قبلا توصیف کرده‌ام. یک شاهکار برجسته معماری این دوران در کاشان، خانه بروجردی است که وقتی در قدیم به اتفاق دانشجویان مسافرت می‌کردیم، این اثر معماری را کشف کردیم.

بــه دلیــل تحــولات تکنولوژیکــی و علمی بــه خصوص پس از جنــگ جهانی اول، معمــاری در زمان پهلوی به صورت‌هــای مختلف متحــول شــد. در اوایل ایــن دوران تحت تاثیر ملی‌گرایی خاص و الهام‌گرفتن از ایران باســتان، هخامنشیان و سپس ساسانیان، نسخه‌برداری و تقلید از آنها شروع شد چرا که برای پهلوی‌ها دوره هخامنشیان آغاز ایران باستان محسوب می‌شد. با این نگرش در آن دوران کارهایی انجام شد مثل شهربانی تهران، بانک ملی، بنای اولیه آرامگاه فردوســی که من بازسازی‌اش کردم، مدرسه انوشیروان دادگر، موزه ایران باســتان و امثال آنها. همــه اینها تحت تاثیر معماری ایران باستان بنا شدند که به‌نظرم غلط بود. از طرف دیگر، پیشرفت ایران فقط قالب تجددخواهی به خودش گرفته بود و آن روزها خیلی حول و حوش آن بحث می‌شد که نمونه‌اش را در اشعار عارف، عشقی، ملک‌الشعراء و ایرج‌میرزا می‌توان دید. برخی ساختمان‌هایی نیز که در دوران رضاشاه ساخته شد، مثل ایستگاه‌های راه‌آهن، برخی مدارس و دانشگاه تهران اساسا توسط فرنگی‌ها و به‌خصوص آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها ساخته شد به طوری که اگر به سقف ایستگاه راه‌آهن تهران نگاه کنید، طرح صلیب شکسته آلمان هیتلری می‌بینید که با هم تلفیق شده و یک نقشی را به وجود آورده اســت. مدارسی چون دبیرستان فردوسی، فیروزکوهی و نوربخش هم توســط فرانسوی‌ها طراحی و ساخته شد. پس حرکت غرب‌زدگی را قاجار شــروع کرد و ســپس پهلوی آن را ادامه داد. این گرایش به غرب که در فرصت زمانی کم و با سرعت پدیدار شد، مجالی به معمارهای ایرانی نمی‌داد که فکر و معماری مدرن ایران را با استفاده از تکنیک غرب اجرا کنند. درست است که تکنولوژی، غربی است ولی در این وســط ما چه کاره هســتیم؟ ما از این آب و هوا و سنن چگونه می‌توانیم به نفع کشور خودمان استفاده کنیم و سبک ملی ایرانی داشته باشیم؟

بعدها که دانشکده هنرهای زیبا تاسیس شد، به‌خصوص از موقعی کــه تحت مدیریت معمارهــای ایرانی درآمد، با برگزاری ســمینارها، کنگره‌ها و با مسافرت‌ها و گنجاندن موضوعات آموزشی خاص، موضوع ســبک معماری ایرانی ضمن استفاده از تکنیک جدید، مورد توجه بیشــتری قــرار گرفت. از آن دوران بود که تلاش فراوانی برای شناخت هنر و معماری اصیل ایرانی و نقشه‌برداری از آثار باستانی و مسافرت‌های دانشجویان و اساتید به چهارگوشه ایران و روستاهای دوردست برای لمس و کشف جنبه‌های پنهــان فرهنگ و هنر معماری ایرانی شروع شد.

سلسله‌های پادشاهی اساسا در حول و حوش پایتخت‌ها اقدام به ساختن و آبادکردن می‌کردند، مثــل صفویــه در اصفهان و زندیه در شــیراز. اما در تهران که پایتخت قاجاریه بود، آثار برجسته تاریخی دیده نمی‌شود. نظر شما چیست؟

بناهایی که در زمان قاجاریه در تهران ساخته شد عبارتند از مسجد سپهسالار، کاخ گلستان، یک قسمت از بازار و تعدادی مسجد دیگر از جمله مســجد شاه (امام). متاسفانه یکی از کارهای بدی که در زمان رضاشــاه انجام شــد از بین‌بردن دروازه‌های تهران بود که به دستور سرلشــکر بوذرجمهری انجام گرفت. همان‌طور که می‌دانید تهران از زمان قاجار پایتخت شــد و تا آن دوره، بــه آن صورت وجود خارجی نداشت و روستایی از توابع شهرری مابین این شهر و روستای شمیران بود. قاجار، تهران را مقر خود قرار داد و دور تا دور پایتخت جدید را به سبک همان زمان خندق کندند چون مورد تهاجم مدعیان و دشمنان بودند و به این وســیله از خود دفاع می‌کردنــد. بنابراین برای ورود و خروج به شهر ۱۳دروازه روی خندق‌ها ساختند که خیلی جالب بود و می‌توانستند شاخص باشند. متاسفانه این دروازه‌ها الان در تهران وجود ندارند ولی از دروازه‌های ساخته‌شده در آن دوران یکی در قزوین و یکی در سمنان هنوز پا برجاست. کاخ نیاوران نیز از بناهای قاجار بود که در زمان محمدرضاشاه تعمیر و بازسازی شد و محل کارش هم، همان‌جا بود. چند کاخ نیز در سرخه‌حصار و دوشان‌تپه و شهرستانک ساختند. کاخ‌گلســتان که شمس‌العماره نیز جزیی از آن بود، در زمان قاجاریه تکمیل شد. بخش بسیار زیبای آن تخت‌مرمر است که تخت سلطنتی بود و با سنگ‌مرمر ساخته شده، رویش هم یک حوض کوچک با فواره گلاب ساخته بودند.

عمر پایتخت‌های ایران و آمریکا تقریبا یکســان اســت ولی شهرســازی و بناهای این دو شــهر و اساســا نگرش به ســاختن پایتخت در این دو کشــور بسیار متفاوت است. در این مورد چه نظری دارید؟

واشنگتن را نباید با تهران مقایسه کرد چون هر کدام تحت شرایط خــاص خود به وجود آمده‌اند که این شــرایط هیچ شــباهتی به هم ندارند. واشنگتن یک شهر طراحی‌شده است که تحت افکار شهرسازان فرانسوی طراحی شد و به وسیله آنها و هورهای بزرگ طراحی شدند و عوامل مهم در راه این محورها قرار گرفتند که نظیر آن را در پاریس نیز می‌توان مشــاهده کــرد. تفاوت بزرگ دیگر شــرایط اقتصادی و تکنولوژیکی بود که آمریکا با زمان خودش هماهنگ بود. آغامحمدخان قاجار از یک ایل بلند شد و برای اینکه دور از دسترس دشمنانش یعنی زندیه باشد، به دلایل صرفا نظامی تهران را مقر خود انتخاب کرد تا به ایل خود در استرآباد و به کوهستان‌های بلند که جنبه دفاعی در زمان عقب‌نشینی احتمالی داشت، نزدیک باشد. تهران در آغاز حالت یک مأمن نظامی داشت و کم‌کم به ساختمان‌سازی بدون طرح قبلی در آن اقدام کردند. بعدها باید ارکان و ساختارهای حکومتی را نیز در آن ایجاد می‌کردند که ارگ سلطنتی را که مقر حکومت و دستگاه دولتی بود در آن ساختند و سپس بافت مردمی دورادور آن را گرفت بنابراین همانند تمام شهرهای دیگر بدون طرح قبلی بود. اگر هم‌اکنون بافت قدیمی تهران را از بالا نگاه کنیم مجموعه‌ای از خانه‌های کوچولو، کوچولو، یک شکل و یک‌جور را که کوچه‌های تنگ‌وتاریک زولبیایی‌شکل آنها را به هم ربط می‌دهد، مشاهده خواهید کرد. پس شهرسازی تهران برعکس واشنگتن برنامه‌ریزی‌شده نبود. در واقع تهران روستایی بود که از طول و عرض با همان سبک و شیوه زندگی روستایی رشد کرده بود و بعدها در زمان بنا به ضرورت‌های حکومتی، اقتصادی و امنیتی میان آنها را خیابان‌کشــی کردند که آن‌هم بر اســاس حجم ترافیک آن‌موقع بود که اساسا پاسخگوی تراکم جمعیت فعلی و ترافیک کنونی‌اش نیست.

از دوران پهلوی شهرنشینی در ایران شتاب بی‌سابقه‌ای گرفت. بناهای زیادی توسط اروپایی‌ها در ایران ساخته شد. برخی از آنها توسط آلمانی‌ها بنا شد که همزمان با اوج فاشیسم هیتلری بود و مشابه بناهای آن دوره آلمان نازی بودند. به عقیده برخی این سبک «معماری فاشیستی» نامگذاری شده است. نظرتان چیست؟

آلمانی‌ها تحت تاثیر همان افکار فاشیســتی وقتی کاری در ایران می‌کردند، فکر می‌کردند باید تظاهری از همان عقاید باشد. در اینجا لازم اســت خاطره‌ای را تعریف کنم. در زمان تصدی وزارت مســکن توسط آقای نیک‌پی که افکار و نظریات خاصی داشت، ریاست دانشکده هنرهای زیبا با من بود و در تمامی شوراها و کمیسیون‌های شهرسازی و معماری شــرکت داشــتم. یک روز بعد از شــورا با او تنها ماندم. او گفــت: «چرا ما نباید یک فکری کنیم که معماری پهلوی را به وجود بیاوریم، تدوین کنیم، ضوابط و چارچوب‌های آن را روی کاغذ بیاوریم و از مهندســان خود بخواهیم که روی همیــن چارچوب‌ها و ضوابط ســاختمان بســازند؟» ضمن بحث و گفت‌وگوی مفصل، به او گفتم: «این کار صحیح نیست. معماری یک امر دیکته‌شونده یا دستورالعملی نیست و نمی‌تواند باشد که فرضا شما با یک امریه بخواهید یک سبک معمــاری به وجــود بیاورید و چنین فکری قابل حصول نیســت. ما نمی‌توانیم چنین مقرراتی را تدوین و به دیگران تکلیف کنیم که طبق این بخشنامه و این قالب، معماری کنید. شما نیز صلاح نیست که این نظر را دنبال کنید.» او قانع نشد و اصرار داشت که این فکر عملی شود و من هم مخالف بودم. مخالفت من جنبه سیاسی نداشت و صرفا جنبه فنی و علمی داشــت چون معماری پدیده‌ای اســت که از دل جامعه می‌جوشــد، بالا می‌آید و نمی‌شود آن را تکلیف کرد. من همان‌روز به او گفتم: «ما در تاریخ معاصر دو نمونه داشــتیم، هیتلر و موسولینی. هردو خواســتند سبک معماری فاشیستی را ابداع کرده و بر دیگران تحمیل کنند ولی دیدیم به محض اینکه این دو حکومت ساقط شدند، معماری‌شان نیز ناپدید شد. معماری فاشیستی محکوم به فنا بود. پس ما باید از این تجربه درس بگیریم. معماری باید خودجوش باشد و از بطن جامعه بیرون بیاید و غیر از این نمی‌تواند باشــد.» به علاوه، آن ســبکی که آن زمان در ایران اجرا می‌شد همان معماری پهلوی بود و در آینده هرگاه صحبت از معماری آن دوران شود، با همین هویت شناخته خواهد شد و دیگر لزومی به مقررات و بخشنامه ندارد.

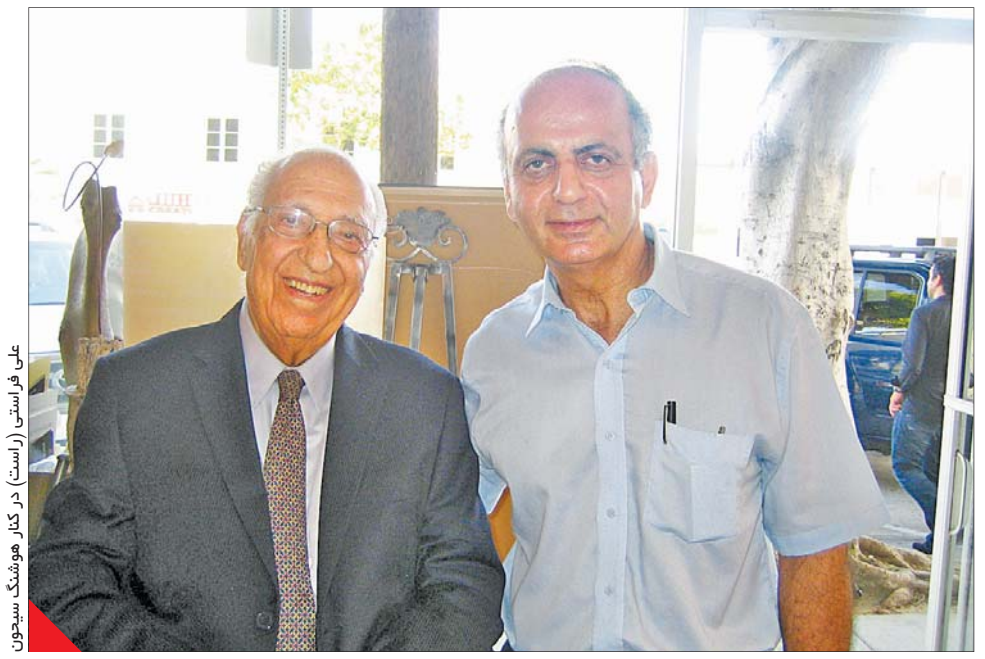

علی فراستی (راست) در کنار هوشنگ سیحون

گفت‌وگویی منتشرنشده با هوشنگ سیحون:

معماری، از دل جامعه می‌جوشد

> **تهران روستایی بود که از طول و عرض با همان سبک و شیوه زندگی روستایی رشد کرده بود و بعدها در زمان بنا به ضرورت‌های حکومتی، اقتصادی و امنیتی میان آنها را خیابان‌کشی کردند که آن‌هم بر اساس حجم ترافیک آن‌موقع بود که اساسا پاسخگوی تراکم جمعیت فعلی و ترافیک کنونی‌اش نیست**

تابلوی کلمات

نکاتی درباره معماری پایدار

نه هر سبزی زیباست

فریار جواهریان
معمار

پنج‌دهه است مبحث پایداری در معماری و شهرسازی اهمیت فراوان یافته، اما متاســفانه به یک «دکان» برای شــرکت‌های بزرگ مهندسی تبدیل شده است زیرا پایداری بیشتر به سیستم‌های تاسیساتی و برقی معطوف شده که با هزینه‌های هنگفت در ابتدا به ساختمان‌سازی اضافه می‌شــوند به امید اینکه در درازمدت به صرفه‌جویی در انرژی برســند. در ایــن روند همه ارزش‌های زیبایی‌شناســی معماری فدای طرح‌های تاسیســاتی مضاعف شــده‌اند. درحالی‌که در گذشــته، معماری بومی ایرانی همواره دارای سیستم‌های منفعل تاسیساتی بود که با ارزش‌های زیبایی‌شناسی ادغام شده بودند. همان معماری که بادگیر را می‌ساخت، کل خانه را می‌ســاخت و اگر از شیشــه رنگی استفاده می‌کرد، دلایل کاربردی هم داشت. پایداری هرگز از زیباشناسی جدا نبود.

معماری پایدار از ارزش‌های ماندگار درون یک فرهنگ خاص منشأ می‌گیرد و این ارزش‌های ماندگار هستند که به معماری و سایر هنرها اصالت می‌بخشــند. با بررســی‌های تطبیقی بین آثار و زندگینامه‌های بزرگان هنر و ادبیات، دریافته‌ام همیشه هنرمندان در پی بازسازی جهان دوران کودکــی خویش بودند. بنابر این می‌توان گفت بازآفرینی جهان کودکی یکی از معیارهای اصالت است. پیشنهاد من به معماران جوان این است که به‌دنبال حس و حال و خاطرات دوران کودکی خود بروند؛ همان گنجینه‌ای که یونگ به آن نام collective memories اطلاق کرده است.

من در دوران کودکی‌ام ساختمان‌های زاها حدید را ندیده بودم و از آن هیچ خاطره‌ای ندارم؛ خاطراتم از خانه پدری‌ام در مشهد الهام‌بخش من در معماری اســت؛ از آن‌رو که برایم یادآور دوران بهشــتی کودکی اســت. کودکی برای همه، چه غنی چه فقیر دوران بهشــتی است و با رجوع‌کــردن به خاطرات آن دوره، تداوم تاریخی و بنابراین پایداری، به صورت طبیعی تضمین می‌شود.

فانوس خیال

«بنکسی» در مکعب سفید

بهزاد وفاخواه: یک اثر دیواری از بنکسی هنرمند گرافیتی و معترض بریتانیایی که نظــارت دولتی بر ارتباطات مخابراتــی را هدف گرفته، فروخته شــده اســت و به‌زودی از دیواری که بر روی آن کشیده شده، پاک خواهد شد. این اثر سه کارآگاه با بارانی‌های قهوه‌ای و کلاه لبه‌دار به ســبک پوشش دهه ۵۰ میلادی را نشان می‌دهد که در اطراف باجه تلفن از دستگاه‌های ضبط صدای جاسوسی استفاده می‌کنند. اوایل این ماه هنرمند بریستولی حالا دیگر مشهور، رسما پذیرفت که این اثر را او کشیده است. بنکسی که از گرده‌برداری در کارهایش استفاده می‌کند تا سرعت کارش بالاتر برود و بتواند بدون گیرافتادن کارش را در مدت کوتاهی به پایان برساند، این نقاشی خیابانی را هم در طول یک شب در خیابانی در چلتنهام واقع در شمال ولز و جنوب‌غربی جزیره اجرا کرده اســت. آن هم در چندمایلی مرکز مخابرات دولتی انگلستان، جایی که شــبکه نظارت مخابراتی بریتانیا در آن پایه گذاشــته شده است. اما به گزارش گاردین، «جان چویس» از مدیران کارخانه داربســت‌ســازی این منطقه ادعا کرد مالک این کارخانه «اســکای گریمز» این کار را خریده است. چویس در این رابطه گفت: «مالک کارخانه داربست‌سازی، اسکای گریمز این اثر را از مالک ســاختمان خریده است و قصد دارد به مدت یک ماه در یک گالری در لندن آن را به نمایش بگذارد. مالک ساختمان با اسکای تماس گرفت و گفت او اثری از بنکسی دارد و نمی‌داند چطور آن را پاک کند یا بفروشد.» «اســکای یک مجموعه‌دار خصوصی است و قصد فروش آن را ندارد، اما اگر کسی پیشنهاد خوبی داشت او می‌تواند با مالک ساختمان برای رقمی نامعلوم مذاکره کند.»

اینکه اثر در کدام گالری به نمایش گذاشته می‌شود هنوز اعلام نشده است اما گفته شده نمایش در روز چهارم جولای خواهد بود و تصاویر این نقاشی دیواری در وب‌سایت خریدار قابل دسترس است.

جدول ۲۰۲۶ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - کانی ســیلیکاتی که در ساخت کاشی و شیشه به کار می‌رود - سرزمین ماتادورها ۲ - تخت پادشاهی - وســیله بنایی - ماده روان با شکل متغیر ۳ - متداول، مرســوم - تریا - قورباغه ۴ - صدای زنبور - ورقه آهنی مشبک برای ساخت ســقف کاذب - لزوم ۵ - سلاحی ســرد - از صور فلکی نیمکره‌شــمالی آســمان - سرخ ۶ - تولیدکننده - نوعی شــتر دوکوهانه - اسم مستعار دهخدا ۷ - هادی الکتریســیته - روزهــا - فرمانروایان ۸ - گشــاده - رخــوت - تلویزیون - لنگــه در و پنجره ۹ - پرورش‌دهنده - انتظار و چشمداشت - از ملزومات طبخ چای ۱۰ - همچنین - بچه پرنده - جانوری بندپا ۱۱ - ته‌نشین‌شــدن - محل پیدایش چیزی - تنظیم صدای ساز ۱۲ - متنافر - نویسنده کتاب «تاریخ تحولات اجتماعی ایران» - تلخ ۱۳ - قومی ایرانی - نوعی پارچه خشــک و نازک - جغوربغور ۱۴- هریک از بخش‌های مجزای یک مجموعه - فرزند - پذیرفته‌شدن ۱۵ - محل کسب درآمد - بنای آرامگاهی امام محمد غزالی در شهر توس.

عمودی:

۱ - از نام‌های قرآن - از نویسندگان بزرگ فرانسه و شاهکارش «ژان کریستف» ۲ - وسایل مورد نیاز - لباس محلی زنان هند - مهم‌ترین شعبه نژاد سفید ۳ - نوعی کبک - مرغ سعادت - گوشه‌ای در دستگاه شور - ماهی کنسروی ۴ - پسر ملکشاه سلجوقی - ناحیه‌ای در شمال شــرقی ایتالیا - برتر از دیگران ۵ - پارچه استریل زخم بنــدی - گردهمایی - همســایگی ۶ - بنفش پررنگ- لاســتیک داخلی تایر خودرو - گیاهی خــودرو که از آن کتیــرا می‌گیرند ۷ - تفاوت بین دو چیز - برادر ســلم و تور - مســابقه اتومبیلرانی ۸ - آسمان بی‌ابر - ضیافت ۹ - مسافر ســرزمین‌عجایب - زیانکار - قبل از بیست ۱۰ - احســاس - نوعی انرژی - پروردگار ما ۱۱ - عید قربان - باهوش - مرگ و میر جمعی ۱۲ - ســلول جنسی نر - پشــتیبان - اسب بارکش ۱۳ - ساز استاد محمد موسوی - جهاز عروس - غربال - رنگ ۱۴ - سرگرد قدیم - دایی شیرازی - ورزشگاه مشهور انگلستان ۱۵ - دستگاهی برای اندازه‌گیری اختلاف پتانسیل - اجاره‌بها.

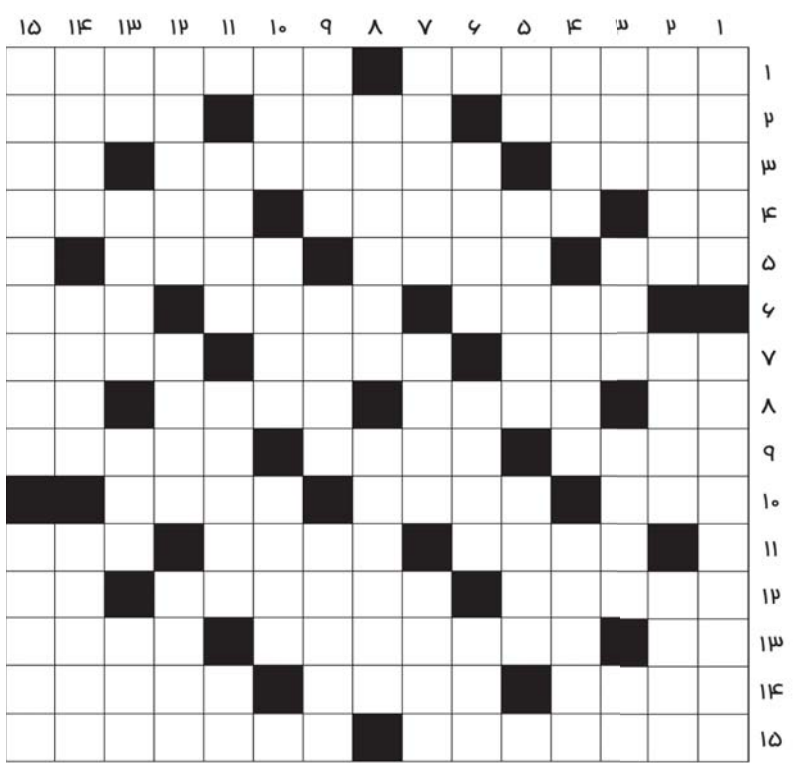

حل سودوکو سخت

۸	۳	۹	۵	۶	۴	۷	۱	۲
۵	۴	۲	۱	۷	۸	۹	۶	۳
۱	۷	۶	۳	۲	۹	۸	۵	۴
۲	۹	۱	۷	۵	۶	۳	۴	۸
۶	۸	۷	۹	۴	۳	۱	۲	۵
۴	۵	۳	۲	۸	۱	۶	۷	۹
۹	۶	۴	۸	۱	۵	۲	۳	۷
۳	۲	۵	۶	۹	۷	۴	۸	۱
۷	۱	۸	۴	۳	۲	۵	۹	۶

حل سودوکو ۱۰۲۰

۴	۷	۵	۸	۶	۱	۲	۹	۳
۹	۱	۶	۳	۴	۲	۷	۵	۸
۳	۸	۲	۵	۹	۷	۶	۴	۱
۷	۴	۸	۲	۱	۳	۹	۶	۵
۵	۶	۹	۴	۷	۸	۳	۱	۲
۱	۲	۳	۹	۵	۶	۸	۷	۴
۸	۹	۷	۱	۳	۴	۵	۲	۶
۶	۳	۴	۷	۲	۵	۱	۸	۹
۲	۵	۱	۶	۸	۹	۴	۳	۷

جدول ۲۰۲۵

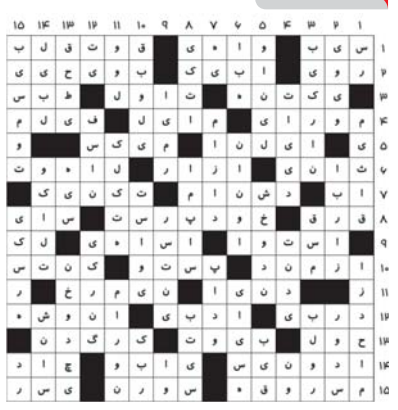

سودوکو سخت ۱۰۲۱

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۱		۵		۶		۲	
	۶			۹		۴		
	۳	۷	۲					
	۷	۶				۵		۹
	۲					۱		۳
	۵		۱				۸	
			۶	۵	۳	۲		
			۴			۷		
	۸					۳		۴

سودوکو ۱۰۲۱

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۵	۳		۸		
۵		۲	۶	۸				۱
۶		۱		۴	۲			۳
	۹			۲			۴	۷
۲	۱	۵		۷	۶			
			۸	۹		۱	۵	
	۲		۹		۸		۶	
		۸		۶		۹	۳	۴
		۷	۳		۴			۸